

نویسندگان: داوید میلر و همراهان
منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوس
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام (مل)

پنج رکن اسلام هراسی

The five pillars of Islamophobia

مقولات مرموز و مبهم ما نند افراطی و افراط گرایی مسلمانان را بدام
گسترده ای از ضد تروریسم میکشاند

انفارمیشن کلیرنگ هوس هژدهم جون (2015): دموکراسی با ز: وضعیت
مسلمانان در کشورهای غربی در معرض خطر جدی قرار دارد شیوع و افزایش از جرم
و جنایت علیه مسلمانان در انگلستان نه تنها یکی از عواقب قابل رویت بیشتر میباشند
بلکه دامنه این جرم و جنایت بیشتر تر گردیده است. به نقل قول از اتحادیه معلمان
انگلستان چنین مشعر است که اطفال دانش آموز مسلمانان از سوء استفاده و از برخورد های
منفی و تحقیر آمیز دیگران و نامسلمانان رنج می برند، زنان مسلمان قربانیان بیش از
نیمی از حملات اسلام هراسی اند این مطب را ماما گفت (Tell MAMA).
هرچندیکه جرایم خشونت آمیز علیه مسلمانان و قابلیت درک و فهم آن برای قاطبه مسلمانان
یک موضوع کلیدی و حیاتی پنداشته میشود گمراه کننده و اشتباهی نابخشودنی خواهد بود
که اسلام هراسی را به نظر یک اقلیت کوچک خیابانی و یا آنها یکه در حاشیه سیاست
قرار دارند یک پرابلم تبعیضی تلقی کرد. واقعیت چنین است که این موضوع در سیاست
و در جامعه ماعمیقاً جاسازی شده است و یک موضوع فوق العاده جدی تر از موضوعاتی
است که تا تاحال اکثریت نویسندگان در موارد چندی نوشته اند و یا پرابلم ها را کنجکا و
نموده اند، گرچه بسیاری ها به این نظر و باوراند که اسلام هراسی بمفهوم نژاد پرستی
علیه مسلمانان بوده که یک موضوع ساده و یا ممکن یک پدیده اجتماعی توأم با تعصب
میتواند باشد ولی آنچه که نباید فراموش کرد چنین است که درک و فهم این موضوع
فرا تر از نظرات و ایده های تبعیضی است که درک آن ضروری پنداشته میشود.
بدیهی است که این موضوع خود یک بخش کلیدی از اسلام هراسی تلقی میگردد ولی
این نظریه وقتی موثر واقع شده میتواند در صورتیکه جنبه ای عملی آن را گسترش داد
یعنی که در سیاست و عمل بشکل فعال خلق و گسترش و نهادینه گردانیده شود.
بهر صورت نژاد پرستی و تبعیض علیه مسلمانان را آنچه که ما پنج رکن اسلام هراسی
می نامیم استوار و پایدار باقی خواهد ماند.

اهداف مشروع؟ اولین و مهمترین ها را میتوان نهادهای دولتی و بویژه مبارزه با دامنه هرچه گسترده تر علیه تروریسم **دستگاه واپرات دولتی نامید** . که این خود رابطه اصلی و کلیدی با موسسات زیربط و فراهم آوری شیوه های **هدفمند در مخالفت و ضدیت با افراط و آنچه که مردم میگویند با افراط گرایی میباشند** . عدم دقت به تعریف این مفاهیم و عملیات درگفتمان رسمی توأم با عملیات های روتین پولیس و سرویس های اطلاعاتی بدان مفهوم میتواند باشد که بیشتر از صدها هزار انسان بشمول جمعت های غیرمسلمان به ارتباطات اهداف مشروع در جستجو و جمع آوری اطلاعات مشکوک متحداً باهم کار و فعالیت نمایند .

برخی از دانشمندان اکادمیک به این باور اند که دولت به حیث یک نهاد پیشرفته و مترقی و یا حداقل به صفت یک نهاد بی طرف توان آنرا دارد که مسلمانان را در مسابقات ضد نژاد پرستی با ایجاد فضای برای تعاملات فرهنگی اسلامی و مدنی کمک و یاری نماید .

ولی به نظر ما دولت هیچوقت نمیتواند به حیث یک نهاد بی طرف وجود داشته باشد . سیاست ضد تروریسم به نفع مسلمانان (و دیگران) نمیباشد بلکه نقطه ضعف مسلمانان و دیگران میتواند شمرده شود .

قابل یاد دهانی است و آن اینکه با لوسيله ای تدوین قوانین استثنای نا توانی مقدما تی و یا پیشگیرانه ای دستگاهای خد مات اطلاعاتی و یا اپرات ضد تروریسم از محلات و جاهای سنتی خود که قبلاً در حوزه های امنیتی پولیس قرار داشت اکنون شعبات آن به محلات و جاهای دیگر همچو به مکاتب و پوهنتونها و کتابخانه ها پخش و گسترش و یا جا بجا گردیده است .

اکنون یک جبهه جدید که مسلمانان را از میان قاطبه مردم بحرکت آورده است سکتور بنام سازمان غیر دولتی یا (NGO) میباشند سازمانیکه در تحت رهبری آقای لارد شاکراس (Lard Shaecross) یک محافظه کار جدید مدیریت میشود و او توانسته است که این موسسه ای خیریه را همه جانبه تحت مذاقه و تحقیق اش قرار دهد و از جانبی آقای کلای ستون (Clayston) یک عضو اتاق تنویر گذارش میدهد که همین اکنون در بریتانیا در حدود (55) موسسات خیریه با موضوعات و اهداف مشخص خویش مصروف فعالیت های بهی خواهانه روزمره میباشند ، مجادله و مبارزه علیه افراطیت و افراط گیری بیدون اندیشه ای سازمانی و تدابیر منظم میتوان گفت که همه موسسات خیریه مسلمانان در وضع غیر موثر و نامتناسبی قرار خواهد گرفت .

بیشتر به سمت راست: چهار اصل و یا ارکان دیگر اسلام هراسی همانا جنبش اجتماعی و سیاسی است که باعث پیشروی و تقویت دولت بیشتر به سمت راست میگردد جنبش اجتماعی را از بالا دو جامعه شناس هریک لورنس کاکس (Laurence Cox)

وگن والید نیلسن (Gunvald Nilson) چنین افاده نموده اند و آن یعنی به مفهوم گروه متبازز آژانس جمعی .

اولین آن هرچه بیشتر وبخوبی درک وشناخته شده است که همانا راستگرایان ویا احزاب دست راستی اند که نماینده ای سنتی آنها احزاب جدید فاشستی بوده یعنی احزابی که همه وهمه آنها در تضاد با مسلمانان میباشند که تعداد و شمارش این نوع احزاب در این اواخر بیشتر گردیده است همچو (حزب دموکرات سویدن ، حزب مردم دنمارک و در انگلستان حزب UKIP) ، جنبش خیابانی مثل لیگ دفاع انگلیس ، PEGIDA در جرمنی (ودر انگلستان- استریا - دنمارک -ناروی - جنبش های جهادی که در اکثر کشورهای اروپایی وایالات متحده امریکا به فعالیتهای فاشیستی شان مصروف اند .



خصوصت این احزاب با اسلام است مثلاً شما تظاهر پیروان حزب باشستی (PEGIDA) را در دیرسدن المان میتواند ملاحظه نماید که در دسمبر سال پار به راه انداختند .

Flicker / strassen strich e .net

جناحهای دست راستی در فعالیت های روزمره خویش بشکل منظم هیچ محدودیتی را بخود راه نمیدهند وهمگی شان در سایر بخش ها ورشته های جنبش اجتماعی از بالا تا پایین تداخل داشته وباهم کار مشترک مینمایند یعنی هر یک از این گروه ها خویشان را در فعالیت ها همدیگر نفوذ قابل ملاحظه متقابل میدهند مانند گروه موسوم به جنبش محافظه کاران جدید - تا جاییکه در کشورهای اروپایی ودر ایالات متحده امریکا قویا کار وپیکار می نمایند ویا به اصطلاح این کشورها در واقیعت امر خاستگاه این نوع جنبش ها قلمداد شده است . جنبش صیهونیستی و شماری از حامیان حرکت لیبرال های دست چپی موجود مثل حامیان و طرفداران جنگ و چپی های نوین وراسته هر سه

جنبش فراملی از بالا تا پایان به گروه های راستگرا در ارتباط و اتصال اند که در جمله تمام آنها جنبش محافظه کاران نو ویا جدید بیشتر براننده و عمده پنداشته میشود و بویژه اعضای فعال اتاق های تنویری دست راستی ها و لیبرال های جدید نو .

کسانیکه خود را منوط به همچو جنبش های اجتماعی میدانند با آنها در برخی موارد در تقسیم کار و فعالیت با هم یکجا در ترکیب با دولت برای تولید و تکثیر ویا گسترش در نژادپرستی و در ضدیت با مسلمانان در چهارچوب سیاست ها و انتظامات عملی باهم یکسان اخذ موقف مینمایند و چنان مینمایند تا اطمینان حاصل شود که گویا آنها تا بعیت از مسلمانان عادی می نمایند .

بگونه مثال اگر افراد کار و فعال اتاق تنویر ارگان محافظه کار نوین آقای هنری جکسون را در نظر گیریم بویژه کسانی را که اعضای مهم و کلیدی محافظه کاران نوین ایالات متحده و بریتانیا را باهم یکجا سر سفره آورد همچو کسان نظیر ویلیم کرسستول (William Kristol) و ریچارد پیرل (Rechard Perle). رامیتوان نام برد در بین حمایت کننده گان مالی سازمان هنری جکسون میتوان از آقای پیر ستانلی کالم (Peer Stanly Kalms) سابق خزانه دار حزب محافظه کار و ریس دایمی DSG یعنی از کسی نام برد که از جمله ای حمایت کننده گان کلیدی مالی سازمان مذکور میباشد، کالم یکی از اعضای نامی و برجسته ای رفقای محافظه کار اسرائیلی میباشد و چنین فکر میشود که او در سال (2009) با حزب مستقل انگلستان اینسو آنسو میشد و او سازمان هنری جاکسن را از طریق بنیاد سنتی الترنتیب خویش و بنیاد کالم حمایت مالی می نمود او همچنان با احزاب عمده ای محافظه کار نوین در همکاری تنگاتنگی قرارداد داشت و کمک های مثر مالی خویش را برای موسسه امور اقتصادی و بویژه به مرکز عدالت اجتماعی مینمود .

طوری به نظر میرسد که آقای کالم (Kalms) صاحب دیده گاه های رادیکال ویا افراطی کافی در ارتباط مسلمانان و اسلام میباشد . به نقل قول از آقای تونی لارمان (Tony Larman) نویسنده و منقزی صیهونیستی : کالم در جلسه مورخ هفدهم ماه نومبر سال (2006) که حضور داشت طی یک صحبت اش چنین گفت : اکثریت مسلمانان اصلاً نمیخواهند که باهم باشند ویا باهم مدغم گردند بلکه در نهایت امر اکثر آنها در صف عقب جنبشهای اجتماعی بنیادگرایان از بالا بشمول دست راستی های افراطی و عناصر محافظه کاران نوین و جنبش صیهونیستی قرار دارند و در پرورش و رش نژاد پرستی ضد مسلمانان نقش عمده و سترگی را بازی می نمایند .

ما نمیخواهیم پشت جزر و مد اسلام هراسی در تقابل با تهدیدهای سیاسی حزب استقلال ویا لیگ دفاعی انگلستان ویا دگر بخش های از فراملی ویا تقابل با جنبشهای جهادی و محافظه کاران فراملی نوین و جنبش صیهونیستی که تامین کننده ای اطلاعات

ویژویش و مدافع سیاست های دولتی شان را در توامیت با پالسی اسلام هراسی نشان میدهند برگردیم ، طوری که دیدیم که بریتانیا با تعقیب سیاست تجدید نظر طلبی خویش بغرض جلوگیری از پروگرام (2010) طرحی را به ارتباط اجندای محافظه کاران نوین مرکزی وبخاطر انسجام اجتماعی آنها بمنظور تامین امنیت در مبارزه با تروریسم اکت یا مصوبه ای (۲۰۱۵) را پیشکش وتصویب نمود .

اختلاف با جرم ویاجرایم : مهمتر از همه ما نیاز بیشتر داریم تا از دولت به حیث یک ماشین از نظارت وسرکوب چیزی بدانیم از دولتی که در خط مقدم با تضمین اینکه مسلمانان باید در کنار عامه با جدیت هرچه بیشتر برای مدت کوتاه وبا پیامدهای دراز مدت بغرض دسترسی به سیاست های دموکراتیک زندگی نمایند نیت ویا هدف کاملاً روشن است وآن اینکه سازمانهای اجتماعی مسلمانان ، جنبش های اجتماعی ویا اتحادیه های صنفی در مخالفت با حاکمان ما که نباید بالای مسلمانان فشار وارد گردد مصروف کار وپیکار اند .

به کمال تاسف وضعیت هستریک دولت امروز انگلستان به ارتباط اسلام بقدر کافی غم انگیز میباشد تا جایکه شواهد از افراط وافراط گرایی در سیاست این دولت مشهود ومستند بوده چنانچه ما را درنوشتن این مقاله به آسانی وبشکل بالقوه آنچنانیکه پولیس این مورد را فاصله قبل از جرم وجنایت میداند یاری رساند که میتوان به اندازه کافی چنین حکم نمود که آژانس های اطلاعاتی وپولیس ابداً نمی خواستند تا این مقاله تهیه وبدست نشر سپرده شود وما نیز به ارتباط مقالات روزنامه های محافظه کاران تشویش را بخود راه نمیدهم .

با تقدیم سلام ها